

جامعه‌شناسی فرازمند

هر کدام به گونه‌ای در کارهای سیاسی یا علمی با دکتر توسلی در ارتباط بودند.

غلامعباس توسلی بعد از دانش آموختگی، به مدت یک سال در دبیرستان معلم بود و چون رتبه اول دوره کارشناسی را به دست آورده بود، با استفاده از امتیاز این رتبه با بورسیه وزارت آموزش و پرورش برای ادامه تحصیل در دوره‌های تکمیلی به فرانسه رفت. ابتدا در دانشگاه پاریس کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی گرفت، آنگاه برای تحصیل در مقطع دکتری، وارد دانشگاه سوربن شد. این دوره‌ها به مدت ۶ سال، یعنی از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵، به طول انجامید. دکترای خود را که گرفت و به میهن بازگشت. برای تدریس و انجام تعهد بورسیه‌ای که با آن به فرانسه رفته بود، در دانشسرای عالی حضور یافت و به تدریس ادامه داد. یادآوری این نکته هم خالی از لطف نیست که بدانیام دکتر توسلی در فرانسه در رشته شهرسازی هم تا مرز دریافت مدرک دکترا درس خواند اما به دلیل پایان یافتن مدت دوره بورسیه اش، مجبور بود آن را رها کند و به ایران بازگردد اما او در ایران، تنها به تدریس اکتفا نکرد و همزمان در بخش مطالعات شهری موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، به کار پژوهش و تحقیق پرداخت و از توان علمی خود در راه شناخت جامعه و مردم ایران بهره‌های زیادی برد.

در آن زمان دکتر غلام حسین صدیقی - استاد برجسته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران - سیاستمداری که او را پایه‌گذار رشته جامعه‌شناسی در ایران می‌شناسند، به عنوان عضو جبهه ملی ایران، در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق به وزارت رسید. یک بار وزیر پست، تلگراف و تلفن و یک بار هم وزیر کشور و نایب نخست وزیر شد. این استاد در زمان ریاست بر موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، سرپرستی چند پروژه تحقیقات شهری از جمله: طرح‌های جامع شهرهای تهران، شیراز، اراک، همدان، نجف آباد و چند شهر دیگر را به عهده دکتر غلامعباس توسلی گذاشت.

نگارنده، چند خاطره از دوران دانشجویی با دکتر توسلی دارد که به مناسبت سرپرستی او در تهیه طرح جامعه‌شناسی شهری نجف آباد نقل می‌شود. در آن زمان، یعنی آغاز دهه ۵۰، که در دانشگاه تبریز درس می‌خواندم، هر وقت به تهران می‌آمدم به دلیل علاقه شخصی ام، به دیدار شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی می‌رفتم. دکتر غلامعباس توسلی هم از آن اساتید دوست‌داشتنی بود که هم جزء اساتید مذهبی و متدین بود و هم از مبارزان با رژیم پهلوی. راستش در آن دوره که دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد تهران غوغا به پا می‌کرد و اعتبار ویژه در میان سخنرانان مذهبی داشت و نیز به عنوان یک جامعه‌شناس نام‌آور بر ذهن و دل دانشجویان دانشگاهی خوش نشسته بود، مطالعه کتاب‌های جامعه‌شناسی برای بعضی از دانشجویان که در رشته‌های دیگر از جمله دانشجویان فنی درس می‌خواندند به صورت یک سیر مطالعاتی درآمده بود. من نیز فکر می‌کردم که تحصیل در رشته جامعه‌شناسی، بیشتر از رشته مهندسی به درد جامعه می‌خورد اما به دلایلی دیگر، به دانشکده فنی رفتم. علاقه به جامعه‌شناسی برای بنده انگیزه‌ای بود که بیشتر به دیدار دکتر توسلی بروم و از حضورش بهره‌مند شوم. در یکی از این دیدارها که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به دیدارش رفتم و او گفت: در حال تحقیق درباره شهر نجف آباد برای طرح جامع آن شهر هستیم، بعد پرسید: چه قدر از زادگاه خود اطلاعات داری؟ پاسخش دادم چون فردی اجتماعی هستم و به

جامعه‌شناسی یک علم و جامعه‌شناس یک عالم عیار است. بعضی‌ها می‌خواهند این حقیقت روشن را نپذیرند. این علم از علوم جدید است و هیچ دلیلی ندارد که اگر در روزگاران قدیم اسمی از آن برده نشده، آن را تخیلات و برداشت‌های اجتماعی فاقد بنیان‌های فکری بدانیم و آن را از دایره علوم، بیرون بیندازیم و از ارزش آن بکاهیم، پنداری که بعضی از مخالفان علوم انسانی جدید، اسیر آنند و نمی‌خواهند عالمان جامعه‌شناس؛ چنین علم سودمند برای بشر را، در اختیار دیگران بگذارند. اساتدان جامعه‌شناس و پژوهشگران دنیای جامعه‌شناسی در ردیف مهم‌ترین دانشمندان سایر علوم تجربی و علوم عقلی ایستاده‌اند، پس باید مورد تکریم و احترام آحاد حقیقت‌طلبان قرار گیرند.

یکی از شخصیت‌های بزرگواری که بیش از نیم قرن؛ برای علم جامعه‌شناسی، تبیین و آموزش و دفاع از آن تلاش کرد، مرحوم «دکتر غلامعباس توسلی»، آزادمرد عرصه علم و سیاست بود که به تازگی از میان ما پرکشید و به ملکوت اعلا رفت. استاد دکتر توسلی؛ از چنان آوازه‌ای برخوردار بوده و هست که وصفش با این قلم بی‌بضاعت، نه درخور شأن و منزلت علمی او و نه دربردارنده آگاهی‌های سودمند است اما مگر می‌شود دوستان و دوستدارانش در غم از دست دادن او دست به قلم نشوند و در ثنای مصیبتی که از رفتنش

پیش آمد، ننویسند. بسیاری با او خاطره‌ها دارند و از بودن در کنارش آموخته‌هایی دارند که باید بازگویند تا نام او را جاودانه سازند. دکتر غلامعباس توسلی؛ متولد روستایی محروم به نام «رشتخوار تربت حیدریه» در شرق کشور بود. روستایی که در آن زمان چندان زمینه‌ای برای رشد کردن و از دانشگاه سوربن فرانسه سربرآوردن، نداشت. اگر چه امروزه رشتخوار یک شهر در استان خراسان رضوی است اما همچنان محروم و فاقد امکانات یک شهر بزرگ است. ۸۵ سال قبل؛ غلامعباس توسلی در رشتخوار و در یک خانواده مذهبی و از نظر اقتصادی متوسط به دنیا آمد. از ۵ سالگی به مکتب خانه

رفت و همانند دیگر علاقه‌مندان به تحصیل، در آنجا غیر از فارسی و عربی، مقدمات درس حوزوی را هم فراگرفت. پدرش ملا احمد، در زمانی که غلامعباس فقط ۹ سال سن داشت، دنیا را ترک کرد. در همین سن بود که به مدرسه جدید دولتی رفت و سر کلاس چهارم نشست. با پایان یافتن دوره ابتدایی به تربت حیدریه رفت و دانش‌آموزی خود را در دبیرستان تا گرفتن دیپلم ادامه داد. بعد از آن به دانشسرای عالی تهران راه یافت و با جدیت تمام به فراگیری درس و علوم مربوطه پرداخت تا این که در سال ۱۳۳۸، با رتبه نخست مدرک کارشناسی خود را در رشته زبان فرانسه دریافت کرد. ناگفته نماند که رتبه اولی برایش؛ امتیاز داشتن مدال فرهنگ را هم به کارنامه اش افزود. او همزمان در رشته زبان فرانسه، زبان انگلیسی خود را نیز تکمیل کرد، پس زمان دریافت مدرک کارشناسی، می‌توانست با دو زبان اروپایی سخن بگوید. توسلی در زمان تحصیل در دانشسرا، با علی شریعتی، شخصیت پرآوازه دهه‌های ۴۰ و ۵۰، آشنا شد و این آشنایی به یک دوستی عمیق و موثر انجامید، که تا فوت زنده‌یاد دکتر علی شریعتی ادامه داشت. در همین دوره تحصیلی با افراد دیگری چون محمدعلی رجائی - رئیس جمه‌پور شهید - و حسن حبیبی - معاون اول رییس جمه‌پور - در دوره هاشمی رفسنجانی و باقرپرهام - پژوهشگر و مترجم نام‌آشنا در حوزه جامعه‌شناسی - و نیز داور شیخوند - پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش و استاد دانشگاه - آشنا شد، این افراد شناخته شده، در سال‌های بعد



مهندس مصطفی ایزدی
روزنامه نگار
و فعال سیاسی، اقتصادی